

مقاله پژوهشی:

آینده نظام‌سازی زکات در هندسه تأمین مالی دولت اسلامی در ایران در آینه فقه شیعه

عبدالمحمد کاشیان / استادیار دانشکده اقتصاد مدیریت و علوم اداری دانشگاه سمنان a.m.kashian@profs.semnan.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۳

چکیده

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و استقرار حکومت اسلامی این انتظار به وجود آمد که زکات نقش بسیار مهمی در مدیریت اقتصادی ایران ایفا کند. علی‌رغم دغدغه‌های جدی برای این امر و تحقیقات گسترده علمی در این زمینه، مجموعه دلایلی از جمله مسائل فقهی سبب شد که این موضوع در حد شایسته به سرانجام نرسد. بررسی فقه مالیات‌های اسلامی همراه با انطباق آن با شرایط جمهوری اسلامی ایران دلالت بر آن دارد که تنها برخی از آرای فقهی در خصوص زکات، امکان نظام‌سازی را ایجاد می‌کند که عمدتاً نظریه‌های غیر مشهور می‌باشند. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به بررسی ۲۴ سناریوی فقهی مختلف در زمینه رابطه مالیات‌های اسلامی و متعارف از نظر تقدم-تأخر و جانشین-مکمل بودن و همچنین نظریات فقهی شمول زکات و ظرفیت‌های بهره‌مندی از آن می‌پردازد. بر اساس نتایج پژوهش، تنها در ۷ سناریو امکان بهره‌گیری از زکات در نظام‌سازی وجود دارد. از میان این ۷ سناریو، در ۳ مورد، امکان اصالت دادن به زکات و مکمل بودن مالیات‌های متعارف در پرتو وجوب زکات پول، زکات مال‌التجاره و شمول خمس در زکات وجود دارد. در ۴ سناریو نیز صرفاً با تعیین موارد مشمول زکات، حسب نظر حاکم جامعه اسلامی امکان نظام‌سازی زکات وجود دارد. در مورد ۴ سناریوی اخیر «نظریه یکسانی» مطرح شده است.

کلیدواژه‌ها: زکات، مالیات، فقه، خمس، نظریه یکسانی.

طبقه‌بندی JEL: H29, H71, H3

همه حکومت‌ها به‌منظور تأمین منابع لازم برای اداره حکومت و همچنین ایجاد رفاه و تأمین حداقل‌های معیشتی نیازمندان، به منابع مالی نیاز دارند که حکومت اسلامی نیز از قاعده، مستثنا نبوده و راه‌هایی را برای تأمین مالی در نظر گرفته است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و استقرار حکومت اسلامی، مسئله نظام‌سازی مالیات‌های اسلامی عمدتاً با محوریت زکات مورد توجه قرار گرفت تا از این رهرو، یک نظام مالیاتی اسلامی بر کشور حاکم شود و جایگزین نظام به‌ارث‌رسیده از دوران طاغوت شود. علی‌رغم تحقیقات متعدد و تلاش‌های وافر برای به سرانجام رسیدن این موضوع، مجموعه دلایلی سبب شد که نظام‌سازی در حوزه زکات به سرانجام نرسد و این موضوع علی‌رغم جایگاه عظیمی که اسلام برای زکات دیده است، عملاً در حاشیه قرار گیرد و جایگاه چندانی نداشته باشد. با وجود این، همچنان موضوع مورد توجه محققان و برخی از تصمیم‌سازان است و رشد تحقیقات علمی صورت‌گرفته در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۷ در این زمینه، گویای این مسئله است.

آنچه در این زمینه مستلزم توجه خاص است، این است که پرداختن به نظام‌سازی مالیات‌های اسلامی، مستلزم نگاهی عمیق به ابعاد مختلفی از مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است؛ چراکه این مسئله در حوزه‌های مختلفی از علوم ریشه دارد و هریک از آنها الزامات خاصی در این مسئله بیان می‌دارند. در این میان، ماهیت نظام‌سازی مالیات‌های اسلامی به‌گونه‌ای است که ارتباط تنگاتنگی با مسائل فقهی دارد و بخش مهمی از این حوزه را مباحث فقهی شامل می‌شود؛ چراکه بسیاری از ضابطه‌ها و قوانین اصلی نظام منابع مالی اسلامی از قواعد، قوانین و چارچوب‌های فقهی به‌دست می‌آید و از طرفی گستره عظیمی از مباحث در این زمینه مطرح گردیده است. از سوی دیگر، این موضوع ارتباط تنگاتنگی با مسائل اقتصادی دارد؛ به این علت که نظام مالیات‌های متعارف به‌عنوان بخشی از نظام اقتصادی کشور دارای پیچیدگی‌ها و سازوکارهای خاصی است و نظام‌سازی مالیات‌های اسلامی، درهم‌تنیدگی‌های قابل توجهی در این حوزه ایجاد می‌کند.

از آنجا که ابعاد فقهی این موضوع، خصوصاً جنبه حکومتی فقه زکات و نظام‌سازی دارای اهمیت زیادی است، این مقاله به‌دنبال آن است که با بررسی جنبه‌های فقهی مسئله زکات و سناریوسازی براساس آرای فقها، در خصوص کارآمدی یا ناکارآمدی هریک از آنها نظر کند و در این مسیر از ابعاد اقتصادی، فقهی و روایی در حوزه زکات بهره گیرد. براین اساس، مقاله حاضر در بخش دوم به پیشینه پژوهش می‌پردازد و سیر تحولات تحقیقات حوزه زکات را تبیین می‌کند. در ادامه به بررسی دو جنبه از فقه زکات می‌پردازد که یک جنبه آن مربوط به موارد مشمول زکات است و دیگری به فرضیه‌سازی در خصوص تقدم - تأخر و مکمل - جانشین بودن مالیات‌های اسلامی و متعارف اختصاص دارد. از مجموعه این بررسی‌ها ۲۴ سناریو به دست می‌آید که براساس آن می‌توان در خصوص کارآمدی یا ناکارآمدی هریک از سناریوهای مطرح‌شده، اظهار نظر کرد. این موضوع در بخش سوم و چهارم مقاله مورد بررسی قرار گرفته و نهایتاً اظهار نظر در خصوص سناریوهای مطرح‌شده، در بخش پنجم صورت گرفته تا زمینه را برای جمع‌بندی و نتیجه‌گیری در خصوص موارد مطرح‌شده در بخش ششم فراهم آورد.

پیشینه پژوهش

تحقیقات مربوط به زکات قدمتی به اندازه تاریخ اسلام دارد؛ فقها از متقدمان تا متأخران هریک به تفصیل در مورد آن بحث کرده‌اند؛ اما آنچه مربوط به تحقیق حاضر است، پژوهش‌هایی است که بعد از انقلاب اسلامی ایران، خصوصاً با هدف نظام‌سازی مالیات‌های اسلامی، صورت پذیرفته است.

اسماعیل پور دره (۱۳۸۷) موضوع *الگوی مناسب مؤسسات مالی زکات در جمهوری اسلامی ایران* را دنبال کرده و از این جهت افزایش بهره‌وری و کارایی و اثربخشی بهینه در حوزه‌های جمع‌آوری، اداره و توزیع زکات در ایران را مستلزم ایجاد مؤسسات مالی زکات در کشور دانسته و برای ارائه الگوی مؤسسات مالی زکات در جمهوری اسلامی ایران همت گماشته است. با یک گام روبه‌جلو، موحدی و رضائی (۱۳۹۱) به نقد نگاه رایج از ارتباط دو نظام مالی (نظام مالی مبتنی بر وجوهات شرعی و نظام مالیاتی کشور) پرداخته‌اند و سعی بر آن دارند با ارائه سازوکاری مشکل پرداخت‌های موزی یا دوسویه را برطرف کنند. ایجاد بخشودگی مالیاتی نسبت به پرداخت‌کنندگان خمس و زکات، یکی از راه‌هایی بوده که مورد توجه این دو محقق قرار گرفته است. به همین صورت، رضایی و سبزو (۱۳۹۱) با بیان اینکه امروزه دغدغه بسیاری از مؤدیان و افراد متدین در کشور پرداخت مضاعف مالیات (متعارف و وجوه خمس و زکات) است، اعتقاد دارند به‌منظور رفع ابهام موجود، بهتر است دولت با برنامه‌ریزی مناسب سعی کند نظام مالیاتی به‌گونه‌ای تنظیم شود که نه تنها بار واجبات مالی (شرعی و قانونی) بر دوش مردم متدین سنگینی نکند، بلکه زمینه ترغیب مردم و تلاش برای رفع دغدغه پرداخت مالیات مضاعف توسط متدینان نیز فراهم آید. تجربه تعدادی از کشورهای اسلامی نظیر پاکستان، اردن، بنگلادش و مصر نیز حاکی از آن است که پرداخت‌های داوطلبانه مردم، مثل زکات، از درآمد مشمول مالیات آنها کسر می‌شود.

کاشیان (۱۳۹۴) با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و با گردآوری داده‌ها از طریق کتابخانه‌ای، ضمن بررسی مبانی فقهی و اقتصادی موردنیاز و نیز با استناد به شناخت وضع موجود در ایران، تجربه کشورهای مسلمان و همچنین بررسی سازوکار طراحی ساختار، نشان می‌دهد که طراحی چنین الگویی در ایران مستلزم آن است که حداقل درباره ۶ مؤلفه موضع‌گیری شود. به همین صورت، شعبانی و کاشیان (۱۳۹۵) با بررسی اثرات خمس و زکات بر رفع فقر و طراحی سازوکار پیاده‌سازی خمس و زکات در نظام مالیاتی و نحوه بازتوزیع آن با تأکید بر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، سازوکاری را طراحی می‌کنند که به‌واسطه آن، ساختاری منسجم برای نظام مالیاتی مبتنی بر الگویی اسلامی ایرانی را طراحی کنند که ارائه مدلی مبتنی بر ولایت‌فقیه، از دستاوردهای این تحقیق محسوب می‌شود. وجه مشترک همه تحقیقات این است که لازم است دولت برای کاهش فشار بر پرداخت‌کنندگان وجوهات شرعی، اقدام به وضع معافیت مالیاتی یا پذیرش وجوهات شرعی به‌عنوان هزینه قابل قبول کند.

بخش دیگری از پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه، مربوط به قانون زکات در جمهوری اسلامی ایران است. این قانون در سال ۱۳۹۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسید. پژوهش‌های پیشین بعضاً به نقد و بررسی این قانون نیز تأکید داشته‌اند. در میان آثار پژوهشی معتبر، اسماعیل پور دره (۱۳۹۲) در

کتاب **نهادهای مالی زکات در کشورهای اسلامی و جمهوری اسلامی ایران**، بیش از پرداختن به نقایص و رفع عیب از قانون زکات، رویکرد مقایسه‌ای و تطبیقی دارد. همچنین این پژوهش برای امکان‌سنجی اجرای زکات در ایران، قوانین زکات چند کشور اسلامی را مطالعه تطبیقی کرده است. همچنین **کیاء الحسینی (۱۳۹۴)** نیز در مقاله ملاحظات اجرایی در پیاده‌سازی مالیات‌های اسلامی، به قانون زکات و توجه نکردن به سایر مالیات‌های اسلامی مانند خمس متعرض شده و برخی مشکلات تقنینی و اجرایی مالیات‌های اسلامی را برشمرده است. **رجائی و میثمی (۱۳۹۷)** به بررسی برخی از مزایای قانون زکات، با روش تحلیلی - توصیفی پرداخته‌اند و این قانون را در قالب سه محور ارزیابی می‌کنند. جنبه ساختاری این قانون، جنبه روشی آن و ابعاد محتوایی آن، موضوعاتی‌اند که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

بررسی پژوهش‌های گذشته دلالت بر آن دارد که اینها از یک خلأ جدی رنج می‌برند و آن مبهم بودن آینده نظام مالیات‌های اسلامی در آینده فقه شیعی است؛ چراکه هر تصمیمی در خصوص مالیات‌های اسلامی منوط به یک پشتوانه فقهی در این حوزه است. مقاله حاضر به دنبال آن است که با بررسی سناریوهای فقهی مختلف و بیان ارتباط متقابل آنان، در خصوص آینده نظام مالیات‌های اسلامی اظهار نظر کند و الزامات فقهی تحقق نظام‌سازی در مالیات‌های اسلامی و متعارف را بیان کند و یکی از خلأهای موجود در این زمینه را برطرف سازد. به همین منظور در ابتدا ضمن بررسی آرای فقهای شیعه و اهل سنت، به سناریوهای مختلف در این خصوص می‌پردازیم.

مبانی نظری تحقیق: فقه مالیات‌های اسلامی

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، تأکید اصلی مقاله حاضر، بر زکات به‌عنوان رکن اصلی مالیات‌های اسلامی در زمان حاضر است. در این بخش به بررسی آرای فقهای شیعه در خصوص موارد مشمول زکات می‌پردازیم:

دیدگاه مشهور فقهای شیعه در باب شمول زکات

مشهور فقیهان شیعه، چه بسا اکثریت آنان معتقدند که زکات در نه چیز واجب است و این نه چیز عبارت‌اند از: گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره. این قول در میان فقهای شیعه معروف است. به همین استناد، بسیاری از فقهای معاصر و مراجع معظم تقلید نیز چنین فتوایی داده‌اند. بزرگانی مانند **شیخ صدوق**، **شیخ مفید**، **سید مرتضی**، **شیخ طوسی**، **محقق حلی**، **شهیدین** و بیشتر فقهای متأخر و معاصر، این قول را اختیار کرده و برخی بر آن ادعای اجماع کرده‌اند (عسکری، ۱۳۸۴، ص ۲۲). **شیخ صدوق** در کتاب **المقنع** نیز زکات را در غلات اربعه (گندم، جو، خرما، کشمش)، انعام ثلاثه (شتر، گاو، گوسفند) و نقدین (طلا و نقره) دانسته و معتقد است پیامبر ﷺ غیر از این موارد را عفو کرده است (صدوق، ۱۴۱۵ق، ص ۱). **شیخ مفید** نیز در **المقنعه** آورده که زکات فقط در نه چیزی واجب است که پیامبر ﷺ فریضه زکات را در آن قرار داد و آن نه چیز عبارت‌اند از: طلا، نقره، گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو و گوسفند. پیامبر ﷺ غیر از این موارد را بخشید (مفید، ۱۳۷۴ق، ص ۱). بسیاری از فقهای دیگر نیز در این

موضوع چنین نظری دادند و نهایتاً صاحب جواهر ذیل کلام محقق حلی در مورد وجوب زکات در اشیای نه‌گانه چنین می‌گوید: «بلا خلاف آنچه در بین المسلمین، فضلاً عن المؤمنین، بل هو من ضروریات الفقه، إن لم یکن من ضروریات الدین؛ والنصوص به مع ذلك متواترة کتواترها فی أنه لا تجب فیما عدا ذلك»؛ (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۵، ص ۶۵)؛ در این مورد، میان مسلمانان اختلافی نیافتیم؛ چه رسد به اینکه میان شیعیان امامیه اختلافی وجود داشته باشد؛ بلکه می‌توان گفت: این مطلب اگر از ضروریات دین نباشد، حداقل از ضروریات فقه است و احادیث متواتری در این باره و همچنین در مورد نفی وجوب زکات در غیر اشیای نه‌گانه وجود دارد.

دیدگاه غیرمشهور فقهای شیعه در باب زکات

علی‌رغم اتفاق نظر بسیار جدی در میان فقهای شیعه مبنی بر انحصار زکات در موارد نه‌گانه، برخی از فقها چنین نظری را نپذیرفته‌اند. در میان فقهای شیعه، برخی قول مشهور را نپذیرفته و به وجوب زکات در مواردی بجز اشیای نه‌گانه قائل شده یا بنا بر احتیاط، ترک آن را در این اشیا جایز ندانسته‌اند. عده‌ای نیز انحصار زکات در موارد نه‌گانه را پذیرفته‌اند؛ اما تفسیر دیگری از برخی از موارد (مانند نقدین) ارائه داده‌اند. از جمله دلایلی که بر این مدعا مطرح شده است، می‌توان به تقیه و درخور وجوب و وجود اشاره کرد:

تقیه: برخی از فقها، از جمله سید مرتضی، بحرانی، شهید ثانی، عراقی و امثالهم معتقدند به دلیل غضب حکومت توسط خلفای جور، امامان معصوم علیهم‌السلام از باب تقیه زکات را منحصر در موارد نه‌گانه دانسته‌اند تا از این طریق مبلغ کمتری عاید خلفای جور شود. برای مثال می‌توان به آرای گروهی از فقیهان، از جمله شیخ یوسف بحرانی در *حداثق الناصره*، سید مرتضی در *جوامع الفقهیه*، شهید ثانی در *منتقى الجمعان*، و آقا ضیاء عراقی در *شرح تبصرة المتعلمین* و امثالهم اشاره کرد.

در خور وجوب و وجود: در اصل و در مرحله اقتضاء، زکات همه چیزهایی که در روایات به آنها اشاره شده، واجب بوده است، لکن وجوب شماری از آنها، که همانا نه چیز باشند، به مرحله کنونی نرسیده‌اند (عسکری و اسماعیل پور، ۱۳۸۸).

در ادامه به برخی از نظرات غیرمشهور در میان فقهای شیعه اشاره خواهد شد:

اختصاص موارد نه‌گانه به صدر اسلام

وجوب زکات در موارد نه‌گانه مربوط به آغاز نبوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. این قول به یونس بن عبدالرحمن از روایان بزرگ شیعه و از یاران امام رضا علیه‌السلام نسبت داده شده است. بنا بر نقل مرحوم کلینی در *کافی* یونس بن عبدالرحمن در تبیین این حدیث که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زکات را در نه چیز قرار داد و سایر موارد را بخشید، می‌گوید: این مطلب مربوط به آغاز نبوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود؛ همان‌گونه که نماز در آغاز بعثت ده رکعت بود و سپس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هفت رکعت به آن افزود، زکات را نیز ابتدا در نه چیز واجب کرد و سپس آن را در همه حیوانات قرار داد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۰۹).

وجوب زکات در مال التجاره

این قول به شیخ صدوق و پدرش نسبت داده شده که قائل به وجوب زکات در مال التجاره بودند (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۵، ص ۷۲). شیخ طوسی نیز در *مبسوط* می‌نویسد: بنا بر نظر اصحاب ما، زکات در مال التجاره واجب نیست؛ لکن عده‌ای از آنان گفته‌اند: در قیمت مال التجاره، زکات واجب است؛ لذا برای محاسبه، با درهم و دینار قیمت‌گذاری می‌شود (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۲۹، ص ۱۶۳۵).

زکات زمین‌های عشری (قول ابن جنید اسکافی)

علامه حلی در *مختلف الشیعه* نگاشته که *ابن جنید* معتقد است: زکات از محصول زمین‌های عشری از تمام چیزهایی که با قفیز پیمانه می‌شود، از قبیل گندم، جو، کتجد، برنج، ارزن، ذرت، عدس، سلت (جو پوست‌کنده) و سایر حبوبات، مثل خرما و کشمش گرفته می‌شود (حلی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۷۰). ایشان در جای دیگر از این کتاب می‌نویسد: *ابن جنید* زکات را در عدس، زیتون و روغنی که از زمین‌های عشری به دست می‌آید، واجب می‌دانسته است (همان، ج ۲، ص ۷۶).

توسعه موارد وجوب زکات بنا بر صلاحدید حاکم اسلامی

بنا بر این دیدگاه، موارد وجوب زکات به موارد نه‌گانه اختصاص ندارد؛ بلکه به دلیل تغییر و تحول در منابع و موارد ثروت و احتیاجات جوامع بشری در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، حاکم اسلامی می‌تواند به اقتضای مصلحت و نیاز جامعه اسلامی، موارد وجوب زکات را توسعه دهد. برخی از فقهای معاصر، از جمله شهید صدر، علامه جعفری و *آیت‌الله منتظری*، این نظریه را پذیرفته یا آن را محتمل دانسته‌اند.

شهید صدر ضمن تقسیم احکام اسلام به احکام ثابت و متغیر، اقدام امیرمؤمنان علی علیه السلام در گرفتن زکات از اسب را از مصادیق احکام متغیر می‌داند و می‌گوید: این عنصر متغیر در احکام اسلام، آشکار می‌سازد که زکات به‌عنوان یک نظریه اسلامی، به مال خاصی اختصاص ندارد؛ بلکه ولی امر مسلمین می‌تواند بر هر چه ضروری بداند، آن را انطباق دهد (صدر، ۱۳۹۰، ص ۱). *آیت‌الله منتظری* نیز در قالب یکی از راه‌های حل تعارض اخبار، این نظریه را به‌عنوان احتمال مطرح کرده است (منتظری، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۶۷). علامه جعفری نیز با انحصار زکات در اشیای نه‌گانه مخالفت می‌کند و می‌گوید: اگر زکات موارد مزبور نتوانست احتیاجات جامعه را برطرف کند، حاکم و پیشوای اسلامی می‌تواند موارد دیگری را مشمول مالیات قرار دهد و تعیین موارد و شرایط، مربوط به نظر او خواهد بود (جعفری، ۱۳۸۰، ص ۱). ضمناً برخی از فقهای معاصر با اینکه موارد وجوب زکات را منحصر در موارد نه‌گانه دانسته‌اند، معتقدند که در هنگام ضرورت و در صورت نیاز جامعه اسلامی، ولی فقیه می‌تواند از باب عنوان ثانوی، زکات را به سایر اشیای توسعه دهد.

وجوب زکات در پول‌های رایج

مشهور فقهای شیعه از متقدمان تا معاصران، معتقد به وجوب زکات تنها در طلا و نقره با شرط مسکوک بودن و معاملی بودن می‌باشند (عسکری، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰). لذا شرط اصلی علاوه بر مسکوک بودن، پول رایج بودن و

وسیله مبادله بودن نیز می‌باشد. از این رو، فقها عمدتاً زکات به پول‌های رایج را منتفی دانسته‌اند؛ چراکه از جنس طلا و نقره نیست. با وجود این، برخی دیگر از فقها از طلا و نقره الغای خصوصیت کرده و زکات را در پول‌های رایج واجب دانسته‌اند. ممکن است تصور شود که عدم وجوب زکات در پول‌های رایج فعلی، مورد اجماع و اتفاق نظر فقهای اسلام می‌باشد؛ در حالی که مسئله وجوب زکات در پول‌های اعتباری، از مسائل نوپیدایی است که در زمان‌های گذشته و نیز در عصر امامان معصوم علیهم‌السلام مطرح نبوده و اساساً مردم در آن زمان از چنین پول‌هایی تصور و شناختی نداشتند. از این رو در کتب فقهی گذشتگان، این مسئله مورد بررسی قرار نگرفته و نتیجه آنکه، استناد به اجماع و اتفاق فقیهان در عدم وجوب زکات در پول‌های رایج، نادرست است (قاینی، ۱۳۸۴، ص ۱۴).

برای مثال، مغنیه می‌گوید: همه یا اغلب فقهای معاصر، از باب جمود بر ظاهر نصوص زکات پول‌های طلا و نقره، معتقدند که پول اگر از نوع کاغذ باشد - همان‌گونه که امروزه چنین است - زکات ندارد؛ ولی ما برخلاف آنان، معتقدیم که زکات شامل هر مال و پولی می‌گردد و نقدین در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان «وسیله» مطرح است، نه «هدف»؛ چراکه نقدین تنها پول رایج در آن زمان بوده‌اند؛ و این از نوع قیاس باطل نیست؛ زیرا از شرایط ماهوی قیاس باطل، ظنی (و نه یقینی) بودن علتی است که در آن اخذ شده است؛ در حالی که ما به یقین می‌دانیم علت زکاتِ درهم و دینار، در پول‌های کاغذی نیز وجود دارد. پس این علت، مانند علت منصوصه بوده و بلکه از آن نیز قوی‌تر است؛ بنابراین، حکم زکات از باب تنقیح مناط معلوم و قطعی است، نه از باب قیاس ظنی که فقهای امامیه بر بطلان آن اتفاق نظر دارند (مغنیه، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۷۶).

آیت‌الله منتظری نیز پس از ذکر اقوال مختلف در این مسئله و بررسی ادله قائلان به وجوب می‌گوید: «بنا بر احتیاط، زکات در تمام اوراق مالی که به‌جای نقدین رایج شده، لازم است» (منتظری، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ص ۲۸۲). ایشان در کتاب *الزکاة* می‌گوید: در اینکه «آیا در اوراق مالی که امروزه به‌جای طلا و نقره به‌کار می‌روند، مانند درهم و دینار و دلار، تعلق می‌گیرد؟ دو وجه است: اول از این حیث که زکات تنها منحصر در ۹ چیز است، از طریق اخبار مستفیض، بلکه متواتر نقل شده است، پس تعلق نمی‌گیرد؛ دوم از این حیث که این اوراق، در واقع حواله بر طلا و نقره است و طلا و نقره فی‌نفسه خصوصیتی در صدور حکم نداشته‌اند و اینکه موضوع در حقیقت، نقد رایج بوده، لذا بر اینها نیز زکات تعلق می‌گیرد». دلایلی که *آیت‌الله منتظری* در ادامه مطرح کرده، به شرح زیر است:

- برای اوراق مالی موضوعیت و قیمتی وجود ندارد؛ بلکه اینها حواله‌ای برای نقدین می‌باشند و مالک آنها، در واقع مالک طلا و نقره است.

- الغای خصوصیت: به بیان اینکه بر طلا و نقره، از این حیث که نقد رایج بوده‌اند، زکات تعلق گرفته و اشیا به‌واسطه این دو فلز قیمت‌گذاری می‌شوند و مالیت پیدا می‌کنند، پس موضوع در حقیقت نقد رایج متعارفی است که قیمت سایر اشیا قائم به آن است.

- عموماً و اطلاق اولیه، که حاکم بر ثبوت زکات در کلیه اموال است مانند:

- جمع مضاف در قول الهی «خذ من اموالهم صدقة»؛

– موصول در قول الهی «ومما رزقناهم ینفقون»؛

– موصول در آیه «انفقوا من طیبات ما کسبتم».

علامه محمدمتقی جعفری در این خصوص می‌گوید:

به نظر می‌رسد که معیار و ملاک اصلی در زکات نقدین، ارزش مبادله‌ای و جنبه پولی آنهاست و جنس درهم و دینار موضوعیت ندارد. در زمان‌های گذشته، دو فلز طلا و نقره وسیله مبادله کالا و کار و درآمد بود و طلا و نقره هم روی ارزش مبادله‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفت. الآن اسکناس و اوراق بهادار همان کار را می‌کند؛ بنابراین زکات نقدین شامل اوراق نقدی (پول کاغذی) نیز می‌شود و دلیل این مدعا ملاکی است که از روایات در وجوب زکات درهم و دینار و طلا و نقره استفاده می‌کنیم و آن ملاک این است که تمام موضوع، جنبه پول بودن و ارزش مبادله‌ای آنهاست؛ خواه طلا و نقره باشد یا چیز دیگر؛ مثل اسکناس و اوراق بهادار (جعفری، ۱۳۸۰، ص ۱).

آیت‌الله هاشمی شاهرودی ابعاد کامل و جامعی از موضوع را تبیین می‌کند. از نظر ایشان، روایاتی وجود دارد که مطلق مال را مشمول زکات می‌دانند. به عبارتی در پاره‌ای از آنها عناوین دیگری آمده که آن عناوین مطلق‌اند و شامل هر نوع ثمن و پولی می‌شوند. در برخی از روایات، عنوان مال مطلق و بلا قید آمده یا المال الصامت آمده که مقصود همین مال محض و اثمان است. برای مثال، روایت مربوط به صحیحۀ محمدبن مسلم است که از ابی‌جعفر علیه السلام نقل می‌کند: «انه سئل عن الخضر فیها زکاة و ان بیعت بالمال العظیم؟ قال لا حتی یحول علیه الحول» (حرعاملی، ۱۳۸۷ق، ج ۹، ص ۶۶). در اینجا امام علیه السلام فرموده است: «اذا کان درهماً او دیناراً»؛ بلکه در کلام سائل عنوان «ان بیعت بالمال العظیم» آمده که مراد از «مال عظیم» به قرینیت «بیعت» همان ثمن و پول است؛ بنابراین در این روایات، عناوینی آمده که مطلق‌اند و شامل هر نوع پولی می‌شوند. در اینجا دسته دیگری از روایات موجود است که آنها، هم اطلاق دارند و هم ناظر به اصل تشریح زکات می‌باشند و آن روایاتی است که ناظر به کفایت سهم فقرا از زکات است و گفته است که «جعل الله عزوجل الزکاة خمس و عشرون من کل الف من اموال الاغنیاء للفقراء»؛ یعنی یک‌چهارم از اموال اغنیاء سهم زکات است و این ناظر به زکات نقدین و مال التجاره است که آن هم در حقیقت، نوعی توسعه در زکات مال مطلق است؛ زیرا تنها این موضوع، زکاتش یک به ۴۰ است، نه انعام و غلات. تعداد این روایت نیز کم نیست. به این دسته از روایات هم می‌توان استدلال کرد که مطلق مال و اثمان، موضوع زکات نقدین است، نه خصوص پولی که از طلا و نقره باشد؛ زیرا که نظر در این روایات به همان مال محض و مطلق اغنیاست که دست همه است. لذا امام علیه السلام فرموده است: «ما جعله فی اموال الاغنیاء»؛ که اینجا ذهن عرفی سریعاً می‌فهمد که مقصود همان مال و ثروت محض است؛ یعنی پول و آنچه ملحق به آن است؛ مثل مال التجاره؛ آن وقت در این مناسبت می‌فرماید: خداوند متعال یک‌چهارم آن را از برای فقرا قرار داده و این برای فقرا کافی است و اگر کافی نبود، بیشتر قرار می‌داد و این لسان تناسب با این دارد که موضوع، ثروت و مال محض باشد، نه جنس خاص از پول و ثروت که محدود به برخی زمان‌هاست؛ مانند پول‌های نقره‌ای و طلائی.

معنای عام و خاص زکات و شمول خمس در زکات

برخی از فقهای شیعه گفته‌اند که «زکات» دو معنا دارد: یکی معنای خاص که در عرف اسلامی به آن زکات گفته می‌شود و در نه چیز یا بیشتر با نصاب خاص، پرداخت آن فرض و لازم است. در حال حاضر، زکات به معنای خاص آن شامل انعام ثلاثه، نقدین و غلات اربعه می‌شود؛ اما زکات یک معنای عام نیز دارد که شامل تمامی پرداخت‌های واجب مالی، مانند صدقه، و خمس می‌گردد. دلیل این سخن را علامه عسکری در *معالم المدرستین*، نامه پیامبر ﷺ به پادشاهان حیره می‌داند: «پیردازید زکات را از غنیمت‌ها، خمس خدا و رسول و آنچه خداوند از صدقه بر مؤمنان واجب گردانیده است» (عسکری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۹۷).

این روایت، خمس را نوعی زکات می‌داند و برای زکات یک معنای عام قائل است که شامل هر نوع صدقه واجبیه که خداوند بر مؤمنان فرض کرده است، می‌شود. براساس این دیدگاه، عنوان عام زکات شامل همه واجبات مالی‌ای می‌شود که برخی از آنها ۱۰ درصد (مانند زکات غلات دیمی) و برخی ۵ درصد (مانند زکات غلات آبی) و برخی ۲۰ درصد (مانند خمس) و امثال آن می‌باشند. در واقع، خمس یک نصاب از زکات است که مقدار آن ۲۰ درصد است و شامل ارباح مکاسب، معدن و امثال آن می‌شود.

تحلیل اقتصادی نظریه‌های شش‌گانه و بررسی کارآمدی (توان بالقوه در فقرزدایی)

علاوه بر بعد فقهی زکات، اقتصاد زکات نیز می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. بررسی آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام دلالت بر آن دارد که زکات از بعد اقتصادی نقش بسیار مهمی در جامعه اسلامی ایفا می‌کند که کمترین نقش آن، رفع فقر است. از جمله روایت *عبدالله بن سنان* از امام صادق علیه‌السلام که حضرت فرمود: خداوند عزوجل زکات را بمانند نماز فرض و مقرر فرموده است. از این رو، اگر کسی زکات را حمل کند و آشکارا و برملا عطا کند، باکی بر او نیست. این بدان جهت است که خدای عزوجل مقدار تأمین نیازمندی‌های فقرا را در اموال اغنیا مقدر و مقرر کرده است؛ و اگر می‌دانست که آن مقدار مفروض و معین ایشان را کفایت نمی‌کند، هر آینه آن را برای ایشان می‌افزود؛ و هرگونه تنگدستی و صعوبت معیشتی که متوجه فقرا شود، از جهت خودداری اغنیا از پرداخت حقوق ایشان است، نه از جهت مقدار زکات و نارسایی آن (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۲). در کنار رفع فقر، بخش عمده‌ای از مصارف زکات در حوزه «فی سبیل الله» است که می‌تواند شامل ساخت مسجد، مدرسه، بیمارستان، جاده، راه‌آهن و امثال آن باشد؛ ولی آنچه مسلم است زکات در هر جامعه‌ای به حدی است که امکان رفع فقر در جامعه به وسیله آن میسر است. با توجه به چنین جایگاهی برای زکات و با یک تحلیل آماری از ایران و یک استنباط کلی و انطباقی با شرایط جدید، می‌توان در خصوص نظریه مشهور فقهای شیعه اظهار نظر کرد. جدول (۱) مربوط به مخارج خانوار شهری ایران در سال ۱۳۹۸ است که براساس آن می‌توان گفت: دهک اول جامعه ایران در سال ۹۸ مجموع ۳۲ هزار میلیارد تومان برای مخارج اساسی خود صرف کرده‌اند. این در حالی است که این عدد برای دهک دوم به ۴۷ هزار

میلیارد تومان، برای دهک سوم به ۵۹ هزار میلیارد تومان و برای دهک چهارم به ۷۱ هزار میلیارد تومان و نهایتاً برای دهک پنجم به ۸۳ هزار میلیارد تومان افزایش می‌یابد.

جدول ۱: مخارج خانوار ایران در سال ۱۳۹۸ به تفکیک دهک‌های درآمدی (میلیارد ریال)

دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
316724	474978	591683	708895	831799	980679	1169308	1440167	1890936	3738933

ماخذ: مرکز آمار ایران

چنانچه بخواهیم براساس سناریوهایی در مورد رفع فقر اظهار نظر کنیم، با مخرجی به شرح جدول زیر مواجه خواهیم بود:

جدول ۲: منابع مورد نیاز برای رفع فقر براساس سناریوهای مختلف

میزان مخارج مورد نیاز	نوع کمک به رفع فقر
۱۶ هزار میلیارد تومان	پرداخت مستقیم به دهک اول به اندازه‌ای که به سطح زندگی دهک دوم برسد
۳۹ هزار میلیارد تومان	پرداخت مستقیم به دهک اول و دوم به اندازه‌ای که به سطح زندگی دهک سوم برسد
۷۴ هزار میلیارد تومان	پرداخت مستقیم به دهک اول و دوم و سوم به اندازه‌ای که به سطح زندگی دهک چهارم برسد
۱۲۳ هزار میلیارد تومان	* پرداخت مستقیم به دهک اول تا چهارم به اندازه‌ای که به سطح زندگی دهک پنجم برسد

چنانچه بپذیریم که در جامعه ایران ۴۰ درصد افراد در خط فقر به سر می‌برند، حسب محاسبات صورت گرفته، قریب به ۱۲۳ هزار میلیارد تومان نیاز به منابع مالی است. یکی از آمارهایی که تصویر بهتری از موضوع به دست می‌دهد و شباهت زیادی به موارد مطرح شده فوق دارد، پرداخت یارانه‌های نقدی است که بالغ بر ۴۵ هزار میلیارد تومان یارانه نقدی در کشور پرداخت می‌شود؛ درحالی که تأثیر چندان مؤثری بر رفع فقر ندارد. بیان این آمار از این جهت بود که یک تقریب ذهنی از منابع لازم برای رفع فقر در کشور ارائه دهد تا از این طریق در خصوص نظر مشهور فقهای شیعه اظهار نظر کرد.

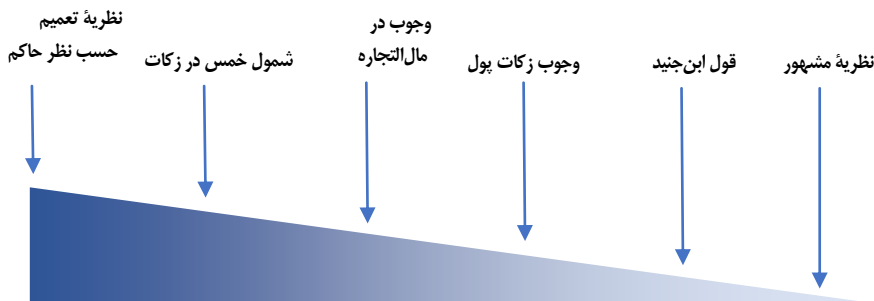
حسب آمار به دست آمده از کمیته امداد امام خمینی (ع) مجموع درآمدهای حاصل از زکات در کشور در سال ۱۳۹۹ صرفاً ۱۴۰۰ میلیارد تومان بوده است. این در حالی است که طبق محاسبات صورت گرفته، در سال‌های اخیر به نسبت ظرفیت بالقوه زکات در کشور، تقریباً ۳۰ درصد از زکات کل کشور پرداخت می‌شود (شعبانی و کاشیان، ۱۳۹۵). در چنین شرایطی می‌توان گفت که حداکثر ظرفیت بالقوه زکات در کشور از ۴۵۰۰ تا ۵۰۰۰ میلیارد تومان در سال تجاوز نمی‌کند.

همچنین نگاهی به آمار بودجه کل کشور در سال‌های اخیر نشان از آن دارد که ظرفیت بالقوه زکات در مقایسه با بودجه کشور نیز بسیار ناچیز است. در سال ۱۴۰۰ بودجه کل کشور نشان از آن دارد که بودجه عمومی دولت ۱۳۷۳ هزار میلیارد تومان خواهد بود که از این مبلغ ۳۳۰ هزار میلیارد تومان آن از طریق مالیات تأمین خواهد شد.

با مقایسهٔ آمار فوق و آمار به‌دست‌آمده از مخارج دهک‌های مصرفی خانوار و نیز بودجهٔ کشور، تقریباً با فرض پرداخت کامل زکات باز هم می‌توان گفت که تقریباً زکات موارد نه‌گانه براساس نظر مشهور فقهای شیعه جایگاهی در این میان ندارد و نمی‌تواند تأثیر چندانی مناسبتی بر رفع فقر داشته باشد. این در حالی است که حسب روایات صادره از اهل بیت علیهم‌السلام زکات می‌بایست برای رفع فقر کافی باشد و اگر کافی نمی‌بود، خدا بر نصابش آن قدر می‌افزود تا فقر برطرف شود.

با نگاهی جدید به نظر مشهور فقهای شیعه، ناکارآمدی این نظریه را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که در حال حاضر، نقدین خارج از شمول زکات است؛ چراکه نقدین می‌بایست هم مسکوک باشد و هم پول رایج؛ درحالی‌که طلا و نقره در کشور چنین ویژگی‌ای ندارد و لذا زکات آن صفر است. در مورد انعام ثلاثه نیز شرط اصلی، صائمه بودن است که با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از دامداری‌های کشور صنعتی شده و علوفه توسط صاحبان آن تأمین می‌شود، هرچه پیش می‌رود، انعام ثلاثه نیز به‌تدریج از شمول زکات خارج می‌شود و کمتر موضوعیت می‌یابد و نهایتاً صرفاً غلات اربعه است که می‌تواند مشمول زکات شود و اینکه عمدهٔ تولیدات کشور از سنخ آبی است، صرفاً مشمول زکات ۵ درصد می‌شوند. لذا بسیار طبیعی است که درآمد حاصل از زکات طبق نظر مشهور فقهای شیعه، قابلیت چندانی برای رفع فقر ندارد و این نظریه نیاز به ترمیم یا توجیه دارد. برخی از محققان با استناد به همین نظر، لزوم بهره‌گیری از نظریات غیرمشهور یا ارائهٔ تفسیر جدید از آرای مشهور را خواستار شده‌اند (کاشیان، ۱۳۹۴، ص ۱). همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، این نظریات عبارت‌اند از قول ابن‌جنید، وجوب زکات در پول، وجوب زکات در مال‌التجاره، شمول خمس در زکات، و تعمیم حسب نظر حاکم جامعهٔ اسلامی. هرچه از نظر مشهور به‌سمت نظریهٔ تعمیم حرکت می‌کنید، ظرفیت بالقوهٔ زکات بیشتر و بیشتر خواهد شد. نمودار زیر یک نمای کلی از این تحلیل ارائه می‌کند:

نمودار ۱: طیف درآمد بالقوهٔ زکات در نظریه‌های مختلف



در مورد کفایت برخی از موارد فوق در رفع فقر، تحقیقاتی صورت گرفته است. بدون تردید نظریهٔ «تعمیم زکات حسب نظر حاکم» توانایی بسیار زیادی در رفع فقر دارد. طبق نظریهٔ شمول خمس در زکات، درآمدهای

زکات به حدی خواهد بود که سطح زندگی دهک‌های اول تا چهارم را به سطح زندگی دهک پنجم برساند (کاشیان، ۱۳۸۹). در خصوص زکات پول بر مبنای مانده سپرده‌های بانکی بخش خصوصی، میزان زکات بالقوه پول، توانایی قابل توجهی در رفع فقر دارد و می‌تواند سطح مخارج دهک اول و دوم در نیازهای اساسی را به ترتیب به سطح زندگی دهک‌های دوم و سوم ارتقا دهد. ضمن اینکه زکات پول بر مبنای اسکناس و سکه در دست مردم توانایی چندانی ندارد (شعبانی و کاشیان، ۱۳۹۲). طبیعتاً زکات مال‌التجاره نیز به دلیل پایه مضمول زکات وسیع‌تر، توانایی بیشتری در رفع فقر دارد و می‌تواند مؤثر باشد؛ اما در خصوص نظریه/بین‌جنید و محدود شدن به حیوانات، به نظر می‌رسد توانایی چندانی وجود ندارد. لذا از بعد کارایی و امکان رفع فقر از طریق زکات، صرفاً نظریات زیر قابل اتکاست:

- وجوب زکات پول بر مبنای مانده سپرده‌های بانکی بخش خصوصی؛
- وجوب زکات مال‌التجاره؛
- شمول خمس در زکات؛
- نظریه تعمیم حسب نظر حاکم؛
- ترکیبی از موارد فوق.

جانشین یا مکمل بودن و تقدم یا تأخر نظام مالیات‌های اسلامی و متعارف

مسئله دیگری که در خصوص آینده مالیات‌های اسلامی قابل ذکر است، جانشین یا مکمل بودن مالیات‌های اسلامی و متعارف است. به‌طور کلی چهار فرضیه در این خصوص متصور است که قابل بحث و بررسی است: مالیات‌های اسلامی (در کنار سایر درآمدهای دولت) برای اداره امور کشور کفایت می‌کند و نیازی به وضع مالیات‌های متعارف نیست (فرضیه جانشینی نوع ۱)؛

مالیات‌های متعارف به‌عنوان مالیاتی مدرن (در کنار سایر درآمدهای دولت) برای اداره امور کفایت می‌کند و ضرورتی به پرداختن به مالیات‌های اسلامی وجود ندارد (فرضیه جانشینی نوع ۲)؛

مالیات‌های اسلامی به‌تنهایی برای امور کشور کفایت نمی‌کند و به وضع سایر انواع مالیات‌ها، خصوصاً مالیات‌های متعارف، نیاز است. در این فرضیه، اصالت با مالیات‌های اسلامی است و مالیات‌های متعارف نقش مکمل دارند (فرضیه اصالت مالیات‌های اسلامی و مکمل بودن مالیات‌های متعارف)؛

برای اداره امور کشور مالیات‌های متعارف کفایت می‌کند و مالیات‌های اسلامی به‌صورت حاشیه‌ای است و جهت امور خاص مانند حوزه‌های علمیه خرج می‌شود و به اداره امور کشور ارتباطی ندارد (فرضیه اصالت مالیات‌های متعارف و مکمل بودن مالیات‌های اسلامی).

بررسی فرضیه اول

در خصوص فرضیه اول مطالبی که در بخش قبلی مطرح شد، دلالت بر آن دارد که با توجه به اختلاف نظر فقها در خصوص موارد مشمول زکات، کفایت زکات برای امور کشور منوط به نوع فتوای فقها می‌باشد. مروری بر ارقام بودجه کشور در سال ۱۴۰۰ (حسب اطلاعات قبلی استفاده شده در این مقاله)، حکایت از بودجه عمومی قریب به ۱۳۷۳ هزار میلیارد تومانی دارد که یک‌سوم آن را مالیات‌های متعارف پوشش می‌دهد. آنچه مسلم است، این است که زکات با نظریه مشهور فقهای شیعه عملاً کاربرد چندانی در خصوص تأمین مالی دولت اسلامی ندارد؛ چراکه اختلاف بسیار زیادی بین منابع موردنیاز دولت و زکات بالقوه و بالفعل وجود دارد. سایر نظرات غیرمشهور مانند نظر /بن جنید، زکات پول و زکات مال التجاره نیز به همین صورت‌اند؛ چراکه نظریه شمول خمس در زکات نیز در صورت حصول صددرصدی، هرچند برای فقر کافی است، اما تنها یک‌سوم بودجه را می‌تواند پوشش دهد که عملاً با توجه به تحقق بسیار ناچیز آن، کارآمدی چندانی برای آن متصور نمی‌توان شد (کاشیان، ۱۳۸۹). در چنین شرایطی، نظریه «تعمیم حسب نظر حاکم» تنها نظریه‌ای است که می‌تواند فرضیه اول را تأیید کند.

بررسی فرضیه دوم

در خصوص فرضیه دوم باید گفت که زکات از واجبات دینی است. هرچند ممکن است مالیات از حیث ترتب آثار مادی اقتصادی از جانب پرداخت‌کنندگان یا منابع مصرف آن مشابه و منطبق بر زکات باشد، اما باید دانست که زکات و خمس از واجبات اسلام محسوب می‌شود و امکان کنار گذاشتن آنها از جامعه مسلمین وجود ندارد. مالیات‌های متعارف نه‌تنها نمی‌تواند آن آثار معنوی و نفسانی مثبت حاصل از زکات - از قبیل تطهیر و تزکیه (توبه: ۱۰۳) و مبارزه با شح و بخل نفسانی و حب مال - را داشته باشد، بلکه بالعکس از آنجاکه مردم آن را نوعی فشار و تحمیل می‌دانند، از آن فرار می‌کنند؛ درحالی‌که زکات علاوه بر اینکه می‌تواند آثار اقتصادی مالیات را داشته باشد، یک دستگاه انسان‌سازی و معنویت‌پروری نیز می‌باشد. زکات علاوه بر اینکه بسان مالیات جنبه اقتصادی مشابه دارد، یک عبادت است و یک رکن دین به‌شمار می‌آید و آثار تکوینی فراوانی بر آن مترتب است. لذا فرضیه دوم در هر صورتی وجهه شرعی ندارد؛ مگر آنکه فرضیه دوم با شق ششم از نظریه‌های زکات جمع شود که در ادامه و در قالب «نظریه یکسانی» در مورد آن توضیحاتی ارائه خواهد شد.

بررسی فرضیه سوم

بررسی فرضیه دوم نشان داد که امکان جایگزین شدن مالیات به‌جای خمس و زکات وجود ندارد. در این خصوص باید گفت، اصل وجوهات شرعی که بر افراد واجب است، عبارت‌اند از: خمس و زکات؛ و چیز دیگری

بر مسلمانان واجب نیست؛ اما اگر درآمدهای حاصل از خمس و زکات به قدری نباشد که برای رفع نیازهای دولت در فقرزدایی کفایت کند، طبیعتاً به وضع وسیع‌تری از این مالیات‌ها نیاز است و این شرایط اقتضا می‌کند که منابع تأمین درآمد جدیدی تحت عنوان مالیات وضع گردد. در واقع به دلیل اصل معروف «ما لا یتیم الواجب الا به فیهو واجب»، این‌گونه مالیات‌های واجب جدید را به منظور سایر مخارج واجب دولت، توجیه می‌کنند. مسئله اساسی در تقدم مالیات‌های اسلامی و مالیات‌های متعارف از اینجا پاسخ داده می‌شود که در صورت وجود دولت اسلامی و نیاز به منابع مالی و کمبود زکات و خمس، وضع مالیات به صورت اضطراری و حکم ثانوی پذیرفته می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۹).

بررسی فرضیه چهارم

فرضیه چهارم دلالت بر آن دارد که امور حکومتی براساس مالیات‌های متعارف مدیریت شود و مالیات‌های اسلامی به صورت مکمل باشند یا اینکه صرفاً برای امور غیرحکومتی مانند مدیریت حوزه‌های علمیه و امثال آن مورد استفاده قرار گیرد. براساس آنچه قبلاً و در فرضیه سوم مطرح شد، اساساً چنین فرضی از لحاظ فقهی قابل قبول نیست. چنین حالتی دقیقاً شبیه به وضعیت فعلی مالیات‌ها در ایران است. طبیعی است که با توجه به جنبه حکومتی خمس و زکات و تأکید آن در فقرزدایی و جایگاه والای آن در مدیریت جامعه اسلامی، چنین نظریه‌ای مبنای کاملی ندارد؛ ضمن اینکه به دلیل تداخل‌های جدی به مانند پرداخت‌های موازی و مخارج موازی و خارج شدن خمس و زکات از بعد حکومتی، از بعد مدیریتی نیز اشکالات جدی به این فرضیه وجود دارد.

انطباق نظریه تعمیم حسب نظر حاکم و فرضیه اول و دوم (نظریه یکسانی)

فرضیه اول و دوم که پیش‌تر بدان اشاره شد، نظریه جانشینی را دنبال می‌کند. بر اساس این نظریه، زکات یا مالیات در کنار سایر درآمدهای دولت، مانند انفال و معادن، برای مدیریت امور کشور کافی است و می‌تواند منبع کاملی برای مدیریت امور کشور باشد. از آنجاکه مالیات حسب حکم ثانوی حاکم جامعه اسلامی وضع می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۰) و حاکم جامعه اسلامی می‌تواند آن‌گونه که مصلحت جامعه مسلمین است، اقدام به وضع مالیات کند. طبیعتاً این اختیار عمل در دست حاکم سبب خواهد شد که حسب نیازهای جامعه و در حد کفایت، اقدام به وضع مالیات کند. دقیقاً چنین سازوکاری که برای مالیات دیده شد، در خصوص زکات نیز در نظریه «توسعه زکات حسب نظر حاکم» دیده می‌شود. در آنجا نیز بحث شد که حاکم جامعه اسلامی می‌تواند زکات را حسب نیازهای جامعه وضع کند. از این رو، این منابع می‌تواند در حد تمام و کمال برای نیازهای جامعه اسلامی کفایت کند. در چنین شرایطی، از بعد اقتصادی تفاوتی بین زکات و مالیات وجود نخواهد داشت. دور از انتظار نیست که بگوییم زکات حسب نظر حاکم جامعه

اسلامی می‌تواند عین مالیات‌های متعارف نیز باشد و برعکس؛ لذا یکسان بودن آن دو را می‌توان نتیجه گرفت. با وجود این بعد عبادی، زکات سبب خواهد شد که اگر مالیات‌های متعارف را مصداق زکات تلقی کنیم، آن نیز حسب نظر حاکم جامعه اسلامی بعد عبادی خواهد یافت.

تحلیل داده‌ها و ارائه نتایج: سناریوهای فقهی و اظهار نظر در خصوص آن

حسب موارد مطرح‌شده در بخش‌های قبلی، نظریه‌های مطرح‌شده در زمینه موارد مشمول زکات، دارای شش شق مختلف است. این نظریه‌ها شامل نظریه مشهور، قول/بن‌جنبید، دیدگاه وجوب زکات پول، دیدگاه وجوب زکات مال‌التجاره، نظر شمول خمس در زکات، و دیدگاه تعمیم حسب نظر حاکم می‌شود. در عین حال چهار فرضیه در خصوص تقدم - تأخر و جانشین - مکمل بودن مالیات‌های اسلامی نیز مطرح شد: فرضیه ۱. کفایت مالیات‌های اسلامی؛ فرضیه ۲. کفایت مالیات‌های متعارف؛ فرضیه ۳. اصالت مالیات‌های اسلامی و مکمل بودن مالیات‌های متعارف؛ و فرضیه ۴. اصالت مالیات‌های متعارف و مکمل بودن مالیات‌های اسلامی.

با در نظر گرفتن دو جنبه مورد اشاره، هریک از شش نظریه شمول زکات می‌تواند با یکی از فرضیات چهارگانه یک راهبرد فقهی در خصوص آینده نظام مالیات‌های اسلامی ایجاد کند. بر این اساس، در مجموع ۲۴ حالت مختلف به وجود خواهد آمد. حسب آنچه پیش‌تر مطرح گردید، نظریه مشهور فقهای شیعه به دلیل ناچیز بودن درآمدهای بالقوه در مقایسه با مخارج دولت‌ها و مخارج موردنیاز برای رفع فقر، نمی‌تواند در نظام‌سازی زکات و مالیات‌های اسلامی در کشور، گزینه مناسبی باشد. این نتیجه‌گیری در خصوص نظر ابن‌جنبید نیز همین ویژگی را دارد.

در خصوص نظریه وجوب زکات پول، وجوب زکات مال‌التجاره و شمول خمس در زکات، تنها فرضیه سوم (یعنی اصالت مالیات‌های اسلامی و مکمل بودن مالیات‌های متعارف) است که می‌تواند در نظام‌سازی زکات مؤثر باشد؛ چراکه در هر سه نظریه، فرضیه کفایت مالیات‌های متعارف یا اصالت آن و مکمل شدن مالیات‌های متعارف، دارای ناسازگاری فقهی است. نهایتاً فرضیه کفایت مالیات‌های اسلامی نیز از لحاظ اقتصادی و محاسبات صورت گرفته مبنایی ندارد؛ زیرا روایات ناظر به مصرف زکات، دلالت بر آن دارند که اولاً زکات برای رفع فقر وضع شده است و ثانیاً برای رفع فقر کافی است. سناریوسازی صورت گرفته، بر عدم سازگاری فلسفه وضع زکات با برخی از نظریات موجود در تعیین دایره شمول زکات دلالت دارد.

نهایتاً نظریه تعمیم حسب نظر حاکم جامعه اسلامی در هر چهار فرضیه مطرح‌شده در خصوص تقدم - تأخر و مکمل - جانشینی حسب نظریه یکسانی، امکان تعمیم دارد. به نظر می‌رسد که این نظریه کارآمدترین نظریه از بعد اقتصادی است.

جدول ۳: بررسی حالات چهارگانه در هر یک از آرای فقهی شمول زکات و نتیجه آن

آرای فقهی شمول زکات	تقدم - تأخر / جانشین - مکمل	کارآمدی	شرح
نظریه مشهور	فرضیه ۱ (کفایت مالیات‌های اسلامی)	-	تعارض اقتصادی
	فرضیه ۲ (کفایت مالیات‌های متعارف)	-	تعارض فقهی
	فرضیه ۳ (اصالت مالیات‌های اسلامی و مکمل بودن مالیات‌های متعارف)	-	تعارض روایی و اقتصادی
	فرضیه ۴ (اصالت مالیات‌های متعارف و مکمل بودن مالیات‌های اسلامی)	-	تعارض فقهی
قول ابن جنید	فرضیه ۱ (کفایت مالیات‌های اسلامی)	-	تعارض اقتصادی
	فرضیه ۲ (کفایت مالیات‌های متعارف)	-	تعارض فقهی
	فرضیه ۳ (اصالت مالیات‌های اسلامی و مکمل بودن مالیات‌های متعارف)	-	تعارض روایی و اقتصادی
	فرضیه ۴ (اصالت مالیات‌های متعارف و مکمل بودن مالیات‌های اسلامی)	-	تعارض فقهی
وجوب زکات یول	فرضیه ۱ (کفایت مالیات اسلامی)	-	تعارض اقتصادی
	فرضیه ۲ (کفایت مالیات متعارف)	-	تعارض فقهی
	فرضیه ۳ (اصالت مالیات‌های اسلامی و مکمل بودن مالیات متعارف)	✓	قابل قبول در فقر
	فرضیه ۴ (اصالت مالیات‌های متعارف و مکمل بودن مالیات اسلامی)	-	تعارض فقهی
وجوب زکات مال‌التجاره	فرضیه ۱ (کفایت مالیات اسلامی)	-	تعارض اقتصادی
	فرضیه ۲ (کفایت مالیات متعارف)	-	تعارض فقهی
	فرضیه ۳ (اصالت مالیات‌های اسلامی و مکمل بودن مالیات متعارف)	✓	قابل قبول در فقر
	فرضیه ۴ (اصالت مالیات‌های متعارف و مکمل بودن مالیات اسلامی)	-	تعارض فقهی
شمول خمس در زکات	فرضیه ۱ (کفایت مالیات اسلامی)	-	تعارض اقتصادی
	فرضیه ۲ (کفایت مالیات متعارف)	-	تعارض فقهی
	فرضیه ۳ (اصالت مالیات‌های اسلامی و مکمل بودن مالیات متعارف)	✓	کفایت در فقر
	فرضیه ۴ (اصالت مالیات‌های متعارف و مکمل بودن مالیات اسلامی)	-	تعارض فقهی
تعمیم حسب نظر حاکم	فرضیه ۱ (کفایت مالیات اسلامی)	✓	کفایت در کلیه امور حکومتی
	فرضیه ۲ (کفایت مالیات متعارف)	✓	نظریه یکسانی
	فرضیه ۳ (اصالت مالیات‌های اسلامی و مکمل بودن مالیات متعارف)	✓	نظریه یکسانی
	فرضیه ۴ (اصالت مالیات‌های متعارف و مکمل بودن مالیات اسلامی)	✓	نظریه یکسانی

نتیجه‌گیری

این مقاله به دنبال آن بود که با توجه به اهمیت زکات در نظام‌سازی اسلامی و اقبال پژوهشگران به بحث در این حوزه در سال‌های اخیر، دو جنبه فقهی از زکات (یعنی موارد مشمول زکات و نیز تقدم - تأخر و مکمل - جانشینی با مالیات‌های متعارف) را مورد بررسی قرار دهد. در این بررسی با سناریوسازی در خصوص راهبردهای اجرایی‌سازی آن، در خصوص کارآمدی سناریوهای ارائه‌شده اظهار نظر شد. نتایج به دست آمده، مشتمل بر چشم‌انداز روشنی از آینده نظام‌سازی زکات از بعد فقهی است.

بررسی‌های تحقیق دلالت بر آن دارد که شش نظریه در خصوص موارد مشمول زکات وجود دارد که عبارت‌اند از: نظریه مشهور (انحصار زکات در موارد نه‌گانه)؛ قول ابن‌جنید؛ وجوب زکات پول؛ وجوب زکات مال‌التجاره؛ شمول خمس در زکات؛ و تعمیم حسب نظر حاکم. در عین حال چهار فرضیه در خصوص تقدم - تأخر و جانشین - مکمل بودن مالیات‌های اسلامی و متعارف نیز مطرح شد؛ شامل: فرضیه ۱. کفایت مالیات‌های اسلامی؛ فرضیه ۲. کفایت مالیات‌های متعارف؛ فرضیه ۳. اصالت مالیات‌های اسلامی و مکمل بودن مالیات‌های متعارف؛ و فرضیه ۴. اصالت مالیات‌های متعارف و مکمل بودن مالیات‌های اسلامی؛ که در خصوص هر یک از آنها بررسی‌های لازم صورت گرفت.

با تلفیق صورت‌گرفته از دیدگاه‌ها در زمینه موارد مشمول زکات و نسبت آن با مالیات‌های متعارف، مجموعاً ۲۴ سناریوی فقهی مطرح شد. نتایج تحقیق دلالت بر آن دارد که نظریه مشهور فقهی شیعه مبنی بر انحصار زکات در موارد نه‌گانه و نیز نظریه ابن‌جنید در خصوص تعلق زکات به حیوانات، به دلیل ناچیز بودن درآمدهای بالقوه در مقایسه با مخارج دولت‌ها و مخارج موردنیاز برای رفع فقر، همراه با هیچ‌یک از فرضیه‌های چهارگانه، نمی‌تواند در نظام‌سازی زکات و مالیات‌های اسلامی در کشور گزینه مناسبی باشد. در خصوص نظریه وجوب زکات پول، وجوب زکات مال‌التجاره و شمول خمس در زکات، تنها فرضیه سوم (یعنی اصالت مالیات‌های اسلامی و مکمل بودن مالیات‌های متعارف) است که می‌تواند در نظام‌سازی زکات مؤثر باشد. سایر فرضیه‌ها به دلایلی که در جدول (۳) مطرح شده است، امکان نظام‌سازی را نمی‌یابند. نهایتاً نظریه تعمیم حسب نظر حاکم جامعه اسلامی است که در هر چهار فرضیه مطرح‌شده در خصوص تقدم - تأخر و مکمل - جانشینی حسب نظریه یکسانی امکان تعمیم دارد. به نظر می‌رسد که این نظریه کارآمدترین نظریه از بعد اقتصادی است. هرگونه سازوکاری در خصوص نظام‌سازی زکات می‌تواند حسب نتایج جدول یادشده از بعد فقهی و اقتصادی ارزیابی شود.

منابع

- اسماعیل پور دره، مهدی، ۱۳۸۷، *الگوی مناسب مؤسسات مالی زکات در جمهوری اسلامی ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق ع.
- ، ۱۳۹۲، *نهادهای مالی زکات در کشورهای اسلامی و جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دانشگاه امام صادق ع.
- جعفری تبریزی، محمدتقی، ۱۳۸۰، *رسائل فقهی*، قم، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، *مالیات‌های حکومتی از دیدگاه فقه نظام مالی اسلام*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۳۸۷ق، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، تهران، مکتبه الاسلامیه.
- حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۷ق، *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- رجائی، سیدمحمدکاظم و میثم نعمتی، ۱۳۹۷، «نقد و بررسی قانون زکات و ارائه راهکارهای اصلاحی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۷۰، ص ۶۳-۸۹.
- رضایی، محمدقاسم و محبوبه سبزو، ۱۳۹۱، «ارائه الگویی برای پذیرش خمس به عنوان بخشی از مالیات بر درآمد»، *پژوهشنامه مالیات*، ش ۱۵، ص ۱۲۵-۱۵۲.
- شعبانی، احمد و عبدالمحمد کاشیان، ۱۳۹۲، «زکات پول از منظر فقه فریقین و بررسی ظرفیت بالقوه آن در فقرزدایی (مطالعه سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ اقتصاد ایران)»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ش ۱۱، ص ۳۵-۶۰.
- ، ۱۳۹۵، «طراحی سازوکار ورود خمس و زکات به نظام مالیاتی ایران و آثار بالقوه اقتصادی آن»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ش ۱۶، ص ۳۹-۷۴.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۹۰، *الاسلام یقود الحیاة*، قم، پژوهشگاه علمی - تخصصی شهید صدر.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، *من لایحضره الفقیه*، بیروت، دار الاضواء.
- ، ۱۴۱۵ق، *المقنع*، قم، پیام امام هادی ع.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۶۳، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران، المکتب المرتضویه.
- عسکری، محمد مهدی و مهدی اسماعیل پور دره، ۱۳۸۸، «تحلیل نظری زکات و بررسی امکان تعمیم دامنه اموال مشمول زکات»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ش ۳، ص ۱۱۹-۱۵۴.
- عسکری، محمد مهدی، ۱۳۸۴، *تحلیل نظری زکات*، تهران، دانشگاه امام صادق ع.
- عسکری، سیدمرتضی، ۱۳۸۴، *معالم المدرستین*، قم، مجمع جهانی اهل بیت ع.
- قابینی، محمد، ۱۳۸۳، *زکات پول‌های رایج و اشیای نوپیدا*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار ع.
- کاشیان، عبدالمحمد، ۱۳۸۹، «آزمون بسندگی زکات و خمس در تأمین حداقل معیشت خانوارهای نیازمند در اقتصاد ایران»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۳، ص ۵-۳۴.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کیاءالحسینی، سیدضیاءالدین، ۱۳۹۰، «ملاحظات پیاده‌سازی مالیات‌های اسلامی»، *پژوهشنامه مالیات*، ش ۵۹، ص ۱۴۱-۱۷۲.
- کاشیان، عبدالمحمد، ۱۳۹۴، *طراحی الگوی یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف در ایران*، رساله دکتری، تهران، دانشگاه امام صادق ع.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۴۰۴ق، *فقه الامام جعفر الصادق* ع، بیروت، دارالتعارف.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۳۷۴ق، *المقنعه*، قم، انتشارات اسلامی.
- منتظری، حسینعلی، ۱۴۰۴ق، *کتاب الزکاة*، قم، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی.
- موحدی بکنظر، مهدی و محمدجواد رضائی، ۱۳۹۱، «ارتباط وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی (دلالت‌هایی برای حل پرداخت‌های دوسویه)»، *پژوهشنامه مالیات*، ش ۶۳، ص ۱۵۳-۱۷۳.
- نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۵، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.